



۲۰۱۹/۰۵/۰۹

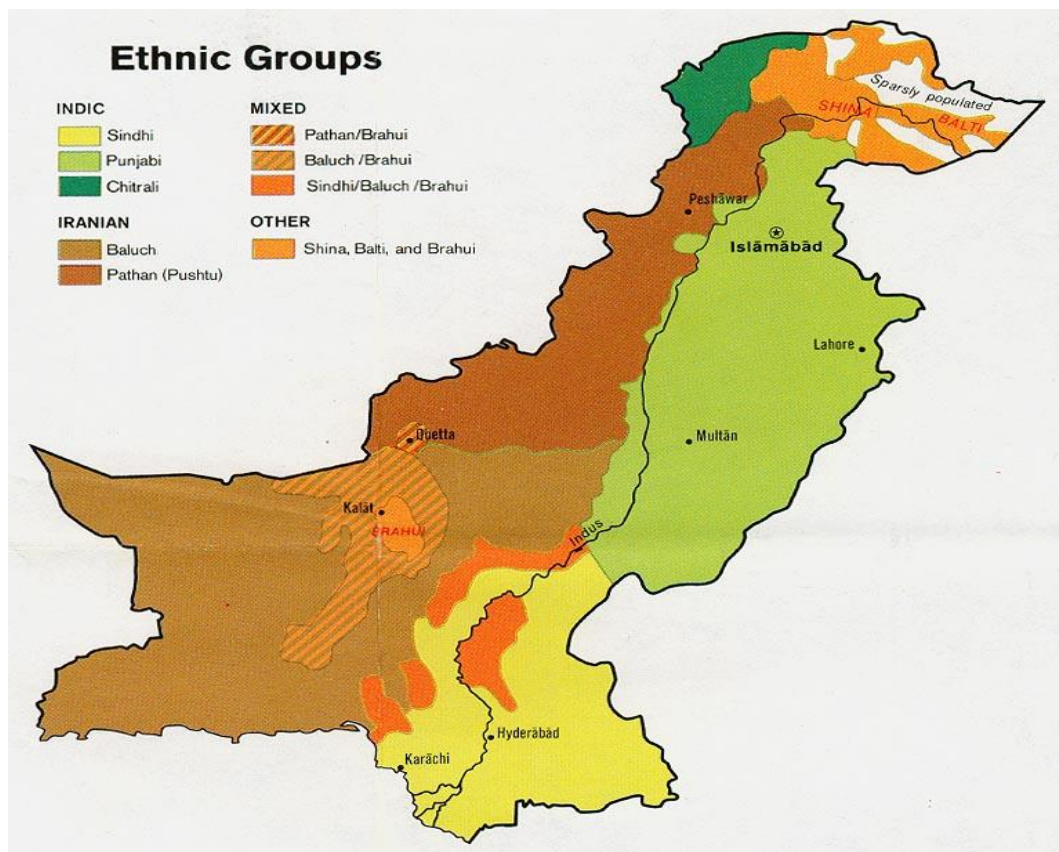


میر عبدالرحیم عزیز

تعصبات مذهبی - نژادی - قومی در نظام فاشیستی پاکستان نگاهی به شوونیزم پنجاب



قسمت دوم



سایت نقشه جهان

پاکستان مانند ایران یکی از کشور های متعصب جهان است. در واقعیت پاکستان بر مبنای تعصب دینی توسط استعمار جهانی خلق شده است. تعصبات از زمان محمد علی جناح آغاز و در دوران ضیاالحق به اوج خود رسید که تا اکنون تداوم یافته است. باوجودیکه حکومت ظاهراً در دست افراد ملکی است و گاه گاهی انتخابات صورت میگیرد، لکن نظامیان پاکستان همراه با دستگاه مخوف استخباراتی این کشور یعنی آی اس آی قدرت و صلاحیت بلا منازع در عرصه سیاسی و نظامی دارند که "مشروعیت" خود را از جانب گروه های متعصب سنی مذهب بدست می آورند. عکس ایران، سنی مذهبیان متعصب علیه شیعیان، فرقه احمدیه و مسیحیان منتهای تعصب و بدبینی را اعمال می نمایند. سنی ها متعصب و شیعیان متعصب در پاکستان یک وجه مشترک دارند: "هر دو فرقه احمدیه را مرتد و گمراه میخوانند".

همراه با تعصبات بی معنی مذهبی، افکار شوونیستی پنجاب هر روز اوج می گیرد. متعصبان پنجاب سایر اقلیت ها را به دید نیک نمی بینند و از آنها نفرت دارند. قدرت مالی و اقتصادی بیشتر در دست پنجابی ها متمرکز شده است. پنجابی ها همچنان در ساحات امنیت و استخبارات دست بالا دارند. اگر احياناً تعدادی از اقلیت ها در سکتور امنیتی و یا سیاسی کار میکنند، حتماً آمران شان پنجابی اند و یا اینکه همان افراد مربوط به گروه های اقلیت در استخدام پنجابی ها درآمده و از اعتبار و اعتماد خاصی نزد مقامات پاکستانی برخوردار هستند.

نظام فاشیستی پاکستان بعد از کودتای مزدوران روس که تجاوز شوروی را به دنبال داشت، در تار و پود افغانستان داخل شده است. گروه های جهادی مخلوق پاکستان دروازه افغانستان را به روی استخبارات پاکستان باز کردند و رهبران خاین این گروه ها و حواریون شان کلاً در اختیار آی اس آی قرار گرفتند. ظهور طالبان و حاکمیت این گروه اوج رخنه پاکستان را در افغانستان تثبیت نمود. ناگفته نماند که عده ای از خلقیان و پرچمیان مانند شنهواز تنی، سلیمان لایق، دستگیر پنجشیری و تعداد زیاد دیگر مستخدم خدمت آی اس آی شدند. از زمره، دستگیر پنجشیری "خدمت با ارزشی" به پاکستان نمود. او بعد از توقف چند ماهه در پاکستان و تحویل اسرار مهم دولت خلقی به آی اس آی، اسلام آباد او را به امریکا فروخت که فعلاً حیات سفالت بار خود را در ایالت واشنگتن سپری می نماید و برای این کشور جاسوس معرفی میدارد. در گذشته ها این انسان شرف باخته، در هر صحبتش ده ها بار امپریالیسم امریکا را نشخوار میکرد و به استعمار غرب در ظاهر نفرین می فرستاد. اکنون این هویلای انسان نما مدافع استعمار غرب شده است. عجیب تحول دیالکتیکی! بار دیگر صحبت آقای رمضان بشر دوست را درینجا نقل قول می نمایم. آقای بشر دوست که یکی از وکلای "شریف" شورای دولت مستعمراتی کابل معرفی شده است، به تاریخ اول جنوری سال ۲۰۱۲ به پروگرام دری صدای آلمان چنین گفت:

مشکل افغانستان این است که برخی از سران سیاسی کابل را قبله سیاسی شان نمی دانند بلکه از تهران، اسلام آباد و کشورهای دیگر پیروی می نمایند. تنها افراد بی دست و پا و کم پول به وطن فروشی متهم می شوند؛ اما آنهایی که در کابینه هستند و جاسوسی می کنند، مجازات نمی شوند. کسانی که واقعاً برای کشورهای خارجی کار می کنند، دارای قصر و لنگرور هستند. طرف آنها کسی چپ نگاه کرده نمیتواند. خود کرزی به زبان خود گفت که دو جاسوس در کابینه اش وجود دارد، اما تا امروز خارنوالان و امنیت ملی ما کر هستند. نتیجه این وضعیت چنان

است که افغانستان از بی ثباتی، عدم تعهد، نفاق گسترده قومی و دامن زدن به تشنجات مذهبی رنج میبرد و این حاصل همه مسامحه حکومت در برابر جاسوسان ایران و پاکستان است.

ناگفته نباید گذاشت که پاکستان مانند ایران در عالیترین کدر دولت مستعمراتی کابل جاسوس و دست نشانده دارد. علاوه بر رهبران جهادی و حواریون، افرادی دیگری مانند حامد کرزی هم از زمره معاش خوران آس اس آی بود که بعداً توسط امپریالیسم غرب در تخت ریاست جمهوری افغانستان نصب گردید. تا زمانیکه افغانستان از شر جواسیس پاکستان و ایران رهایی نیابد، کشور ما روی سعادت و آرامش را نخواهد دید. این حالت زمانی تحقق می یابد که افغانستان به استقلال خود دست یابد و یک دولت مستقل مردمی و ملی در کشور روی صحنه آید. نه نظام فاسد پاکستان و نه نظام متحجر ایران میتواند مثال نیک و شایسته برای افغانستان باشد. بهتر است که مزدوران این دو کشور مزدوری را ترک جویند و وجدان انسانی خود را باز یابند و در خدمت مردم و کشور خویش باشند. در اینجا تعصبات مذهبی، نژادی و قومی را در پاکستان مورد ارزیابی قرار داده و خواهیم دید که چه سیستم کثیفی بر مردم پاکستان خصوصاً اقلیت های این کشور حاکم شده است.

تعصبات مذهبی:

دین اسلام پایه اصلی دولت دست نشانده پاکستان را تشکیل میدهد، لکن از دین استفاده ناجایز و ضد بشری صورت گرفته است. این واقعیت در رویارویی با هند به وجود آمد و پاکستان نمیتواند یک روز هم بدون دین اسلام بقاء نماید. گزارشات سازمان حقوق بشر نشان میدهد که کُتب درسی در مدارس و مکاتب پاکستان به پرورش تبعیض و تعصب علیه هندوها و سایر اقلیت های مذهبی نقش عمده دارد. به عبارت ساده تر، پاکستانی ها تعصب مذهبی را از متون درسی شان می آموزند. جهاد ضد شوری و تأسیس هزاران مدرسه با پول شیوخ عرب سبب گردید که این مدارس صد ها هزار متعصب مذهبی را تحویل پاکستان و افغانستان دهد. اسلام گرایان پاکستان و سیاست مداران دست راستی این کشور علیه هر تلاشی برای اصلاح نصاب درسی مکاتب به پا می خیزند و با تهدید و خلق وحشت هر طرح انسانی را خنثی می نمایند. حکومت این کشور نیز کمترین علاقمندی برای ایجاد تغییر در متون درسی مکاتب از خود نشان نداده است. برای زعامت مفسد پاکستان و نظامیان تشنه به خون این کشور همراه با دستگاه جهنمی استخبارات آن یعنی آی اس آی، دین و مذهب بهترین وسیله برای نفوذ در افغانستان شده است.

تعصب از ارکان عالیه دولت مفسد پاکستان آغاز میگردد. اقلیت های مذهبی مانند شیعیان، اهل هندو، مسیحیان و بالاخص گروه احمدیه به شدت مورد اذیت قرار میگیرند. متعصبین سنی فتواء صادر می کنند که قتل شیعه ها و احمدیه ها رواست. اقلیت های مذهبی و هر فردی که علیه دولت فاسد پاکستان و حامیان مذهبی این دولت دهن باز نمایند، توسط متعصبین مذهبی بی هراس به قتل میرسند. قابل تذکار است که حکومت ظاهراً ملکی، نظامیان و آی اس آی روابط تنگاتنگ با گروه های مذهبی مانند "جماعت اسلامی" و "جمعیت علمای اسلام" دارند و از جانب آنها حمایت میشوند. طبق آخرین تحقیق، این دو گروه همراه با متعصبین سنی در مناطق پشتون نشین شمال و غرب پاکستان در عقب بسیاری بم گذاری ها علیه مساجد شیعه در کوئته و کراچی بوده و در فعالیت های تروریستی علیه کلیسای های مسیحیان دست داشته اند. تندروان مذهبی پاکستان و سیاسیون دست راستی این کشور هیچگونه علاقمندی در تغییر روش خود نشان نمیدهند، زیرا هم دولت دست نشانده پاکستان و هم مذهبیون بی لگام ازین وضع

برای تداوم حاکمیت خود و خاموش ساختن مخالفان حد اکثر بهره برداری را می نمایند. قابل یادآوری است که حزب اسلامی حکمتیار و جمعیت اسلامی ربانی از سال ها بدین سو با این دو گروه ب متعصب مذهبی پاکستان در تماس دایمی بوده و از آنها برای کشتار مردم ما و تخریب افغانستان الهام گرفته اند.

سنی مذهب های متعصب پاکستان با ریشه پنجابی شیعیان را مسلمانان واقعی نمی پندارند و خشونت را علیه آنها جایز می شمارند. هندو را نجس گفته و کشتار آنها روا میدانند. تحقیقات نشان میدهد که شیعیان بین ۵ تا ۱۰ فیصد، هندو ها یک فیصد و مسیحیان، سک ها و بودائی ها تقریباً بیش از دو فیصد نفوس پاکستان را تشکیل میدهند، بقیه همه سنی مذهب اند. اقلیت های مذهبی به حیث مردم درجه دو در پاکستان شناخته شده و متعصبین سنی معتقدند که این اقلیت های باید شکر گزار هم باشند که پاکستان به آنها جا داده است تا درین کشور زندگی نمایند. هرگونه شکایت از وضع زندگی به شمول بیعدالتی و یا حتا ظلم و ستم بر آنها معنی ندارد. تعداد کثیری از معلمان مذهبی پاکستان نیز غیرمسلمانان را دشمنان اسلام تلقی نموده و واجب القتل میدانند.

تعصب علیه زنان پاکستان به طرز بیرحمانه اعمال میگردد. خصوصاً در مناطق دور از شهر ها، زنان ارزش انسانی خود را از دست داده اند. این مرض خانمانسوز از طریق وابستگان پاکستان به افغانستان سرایت کرده است. زجر و شکنجه، شلاق زدن و حبس زنان در خانه یک امر عادی در پاکستان تلقی میشود. بیدادگری علیه زنان در همه اکناف پاکستان رایج است. صرف عده کمی از زنان پاکستان آن هم صرف در شهر ها از بعضی امتیازات برخوردار بوده و در مشاغل دولتی مشغول کار اند، بقیه حیات قرون وسطائی دارند



متعصبین مذهبی از پسران صغیر برای فعالیت ها تروریستی استفاده میکنند

تعصبات نژادی و قومی:

پاکستان یکی از فاسد ترین کشور های جهان است که هر گونه تبعیض درین کشور بر مردم خصوصاً اقلیت ها و مخالفان نظام تحمیل میشود. سازمان حقوق بشر، پاکستان را یکی از بدترین جا ها برای زندگی دانسته است. در رأس تبعیضات نژادی و قومی، شوونیسیم پنجاب قرار دارد که ۴۵ فیصد نفوس پاکستان را تشکیل میدهد. اقلیت ها مشتمل اند بر: پشتون ها ۱۵ فیصد، سندی ها ۱۴ فیصد، ساریاکی ۸ فیصد، مهاجر ۷ فیصد و دیگران مانند بلوچ

ها، براهوی ها، بنگالی ها، هزاره ها، مسیحیان، سک ها و هندو ها جمعاً ۶,۵ فیصد. اگر این احصائیه درست و دقیق باشد، پنجابی ها دست بالا در سیاست و اقتصاد پاکستان دارند و ازینرو، قدرت اول سیاسی و اقتصادی شمرده میشوند. فیودال های پنجاب بیشترین زمین را در ایالت پنجاب و ایالات ماحول متصرف شده اند. مؤسسات مالی و تولیدی اکثراً در دست پنجابی هاست که از حمایت خاص دولت مزدور پاکستان برخوردارند. پنجاب منبع تغذیه دولت مرکزی، اردو و استخبارات پاکستان است. بدون تردید که یک عده از افراد مربوط به اقلیت ها هم در دولت پاکستان سهیم بوده و تابع دساتیر پنجابی ها اند. پاکستان بدینوسیله می خواهد که به جهان ثابت نماید که درین کشور تعصب علیه اقلیت ها وجود ندارد. پنجابی ها متعصب ترین قوم را در پاکستان تشکیل میدهند که اساس نژادی هم دارد. پنجابی های شوونیست معتقد اند که ریشه آریائی دارند که همین احساس واقعی یا دروغی سبب شده است که سایر اقلیت ها را سیال خود ندانسته و به سوی شان به دیده تحقیر بنگرند. پنجابی ها نمیگذارند که اقلیت ها به نشو و نمای زبان خود بپردازند. زبان "اردو" بر همه مردم تحمیل شده و جلو رشد زبان اقلیت ها را محدود ساخته اند. این عین روشی است که ایران در تحمیل زبان "فارسی" بر اقلیت های آن کشور به کار می بندد.

بعد از حادثه تروریستی سپتمبر ۱۱ سال ۲۰۰۱، تحقیقات ایشافوندیشن و "مؤسسه انکشافی پتان" نشان داد که تبعیض نژادی و قومی از جانب پنجابی ها بر همه اقلیت ها اعمال میشود. دولت فاسد و دست نشانده پاکستان مانند نظام ضد انسانی آخندی ایران ادعا دارد که تعصب اصلاً در پاکستان وجود ندارد، اما اقلیت های پاکستان و همه جهان از روش ضد بشری دولت پاکستان که بر مبنای شوونیسم پنجاب استوار است، انتقاد می نمایند. تحقیقات به اثبات رسانید که پنجابی ها از رستخیز و جنبش های سیاسی پشتون های پاکستان در هراس اند. روی همین دلیل است که شوونیسم پنجاب می کوشد تا جلو رشد سیاسی و فرهنگی پشتون را بگیرد و آنها در محوطه جغرافیائی شان محصور نگهدارد. شوونیسم پنجاب در لاهور در سال ۲۰۱۷ از پنجابی ها خواست که از هر حرکت و رفت و آمد پشتون ها، پولیس محل را مطلع سازند. پشتون ها هم بیکار نه نشسته و سازمانی را به نام "سازمان حمایت پشتون ها" به راه انداخته اند تا به جنگ شوونیسم پنجاب بروند. موفقیت این گروه منوط میشود به طرز دید، خواست و شیوه کار شان که باید بر مبنای حمایت توده های مردم استوار باشد.

تفوق نژادی و قومی بر مبنای شوونیسم پنجاب در پاکستان مؤسسه شده است. محمد علی جناح مؤسس ظاهری پاکستان برای این کشور بعد مذهبی داد که پاکستان را از دشمن اصلی اش هند متمایز ساخت. در داخل محمد علی جناح تفوق مذهب سنی بر شیعه را تبلیغ می کرد. زعامت بعد از "جناح" بعد تر به آن رنگ و بوی پنجابی داده و تیوری شوونیسم پنجاب را پیش کشیدند که تصادمات نژادی و قومی در پاکستان از همینجا گسترش یافته است. در بیرون از کشور، زعامت در اسلام آباد هنوز دکتورین عمق ستراتیژیک خود را به ارتباط افغانستان فراموش نکرده است. این دوکتورین ساخته شوونیسم پنجاب است که در صورت یورش هند به سوی پاکستان و شکست اردوی این کشور در رویارویی با قوه نظامی برتر هند، اردوی شکست خورده پاکستان به سوی فلات افغانستان عقب نشینی خواهند کرد و از سرزمین ما برای حملات دوباره علیه قوای هند آمادگی خواهد گرفت.

با این شیوه حکومت داری، چطور مزدوران پاکستان میخواهند که افغانستان در مدار پاکستان بچرخد و یا اینکه در یک کنفدریشن با پاکستان کنار آید که مرکزش اسلام آباد باشد؟ حکمیتار هنوز هم درین راه عربه میکشد. حزب اسلامی و جمعیت اسلامی از گروه های بودند که سالیان طولانی در خدمت پاکستان قرار داشتند و رهبران این دو گروه ضد

ملی را آی اس آی تربیه نموده و آموزش داده بود تا برای محو هویت افغانستان بکوشند و کشور ما را تحویل پاکستان دهند. بایست یادآور شد که احمد شاه مسعود و گلبدین حکمتیار یکجا در مکتب آی اس آی آموزش دیدند تا روزی به امر این سازمان کشور مادری شان را تخریب نمایند. این امر در شبهای جشن سال ۱۹۷۵ تحقق یافت و هر دو تن به امر اسلام آباد دست به عمل تروریستی علیه افغانستان زدند. ربانی و مسعود که بعداً هر دو سر بر نیست شدند، نظر به تغییر اوضاع در خدمت شوروی و روسیه قرار گرفتند تا مدتی در اریکه قدرت پوشالی تکیه زنند.

کدام مؤسسه و عملکرد دولت فاسد و ضد بشری پاکستان میتواند قابل تقلید برای افغانستان و مردمش باشد؟ آیا پاکستان دارای مؤسسات سیاسی دموکراتیک است که افغانستان از آن بیاموزد؟ باوجودیکه در کابل یک دولت ضد ملی و مستعمراتی مستقر است، با آنها همین دولت مستعمراتی با مؤسسات سیاسی اش نسبت به مؤسسات پاکستان برتری دارد. کشور و مردم رنج کشیده ما محتاج یک نظام سالم دموکراتیک بر مبنای ارزش های ملی خود اند تا بتوانند در فضای سالم و عاری از حاکمیت اجنبی حیات شرافتمندانه خود را بنیان گذاری نمایند.

پایان قسمت دوم
ادامه دارد



تذکر:

هرگاه خوانندگان محترم متمایل باشند که نبشته ها و مطالب دیگری از این نویسنده معزز را مطالعه کنند، می توانند با "کلیکی" بر عکس نویسنده در صفحه مقالات، به "آرشیف" شان رهنمائی شوند!